

رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی

تاریخ تأیید: ۸۸/۵/۳۱

[illegible]

بیست سال از جنگ عراق علیه ایران می گذرد. جنگ و گفتمان آن اگرچه از لحاظ احساسی و هویتی نمی تواند به تاریخ سپرده شود اما از لحاظ علمی طی چند دهه آینده به امر تاریخی بدل خواهد شد که تحلیل علمی آن برای جاودانگی آن گفتمان، بر دوش پژوهشگران کنونی کشور است. به عبارتی پژوهشگران، جنگ و گفتمان آن را باید به گونه ای با رویکردهای علمی

*دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه تهران

مختلف بررسی کنند که گفتمان فوق به عنوان "ارجاع گفتمانی" و "امری هویتی" برای ایرانیان به خصوص نسل‌های آینده تحکیم یابد.

جنگ عراق علیه ایران را می‌توان از رویکردهای مختلفی مورد بررسی قرار داد. از آن جمله رویکرد یا رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی است که رویکرد نوینی به روابط بین‌الملل و مسائل مختلف این رشته است. جامعه‌شناسی تاریخی، به عنوان یک شاخه ترکیبی و



حوزه‌ای میان رشته‌ای، نقطه تلاقی دو علم تاریخ و جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. در واقع این رشته، جامعه‌شناسی جوامع پیشین را براساس اسناد و گزارش‌های تاریخی بر جای مانده بررسی می‌کند.

جامعه‌شناسی تاریخی به جای یک الگوی ایستا بیشتر بر فرایند و تغییر، تأکید می‌کند و مستقیماً تمایز میان تبیین‌های مبتنی بر ساخت و مبتنی بر کارگزار^۱ را منظور نظر دارد.^(۱) اسکاکپل، یکی از

صاحب‌نظران جامعه‌شناسی تاریخی، این علم را این گونه تعریف می‌کند:

«یک پژوهش سنتی پیوسته و همواره نوین‌سازی شده که برای درک ساختارهای کلان و روندهای دگرگونی بکار می‌رود.»

این رشته متفاوت از جامعه‌شناسی سنتی است؛ زیرا نگرش بنیادی آن به محتوای دگرگونی و محتوای تاریخ است. همچنین این رشته متفاوت از رشته تاریخ سنتی است، زیرا به ساختارهای اجتماعی می‌نگرد و به بازگویی داستان‌های افراد و تعریف رخدادها در قالب تاریخ سنتی نمی‌پردازد.^(۲)

در این راستا، هالیدی می‌گوید: «جامعه‌شناسی تاریخی، یک دستور دوم را برای روابط بین‌الملل نیز فراهم می‌آورد، زیرا کشور را همچون یک رشته از نمادها به شمار می‌آورد و پارامترهای بسیار بیشتری را برای نظریه‌پردازی فراهم می‌کند. جامعه‌شناسی تاریخی نه تنها به نگرش آینده کشور می‌پردازد، بلکه چگونگی شکل‌گیری و دگرگونی کشورها را نیز بررسی می‌کند.»

اسکاکپل، چهار ویژگی زیر را برای مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی بر می‌شمرد:

۱. این مطالعات با پرسش‌هایی در خصوص ساخت‌ها

یا فرایندهای اجتماعی که به صورت پدیده‌های عینی در زمان و مکان فهم می‌شود، مواجه است.
۲. این مطالعات، فرایندهای فرا زمان را مورد توجه قرار می‌دهد و رشته‌های گذرا و موقت را با هدف دستیابی به نتایج، جدی تلقی می‌کند.
۳. این مطالعات، ارتباط متقابل میان کنش معنی‌دار و هدفمند و بسترهای ساختی به منظور معقول‌سازی پیامدهای آشکار و پنهان در زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد.
۴. این مطالعات، جنبه‌های ویژه و مهمی از ساخت‌ها و الگوهای تغییر اجتماعی را برجسته و نمایان می‌سازد.^(۳)

با این رویکرد نو و بدیع و بهره‌گیری از منابع در نوشته‌های جامعه‌شناسان تاریخی نظیر اسکاکپل، تیلی و والرش‌تاین که در کتاب‌ها و مقالات انتشار یافته، توجه صاحب‌نظران روابط بین‌الملل را نسبت به آن جلب کرده است. رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل موضوعی نو در این رشته محسوب می‌شود و مطالعات و تحلیل‌های زیادی درباره آن انجام شده است. پژوهشگران این عرصه‌ها می‌کوشند رهیافت نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی تاریخی را به عنوان مدخلی برای تحلیل و واکاوی تحولات مختلف مورد

1. Agency

استفاده قرار دهند.^(۴)

در این مقاله تلاش شده دو عنصر شکل گیری دولت و تأثیر جنگ بر هویت ایرانی، مورد کند و کاو قرار گیرد. به عبارتی هدف اصلی مقاله تبیین تأثیر جنگ عراق علیه ایران بر شکل گیری دولت مدرن در ایران یا تسریع آن می باشد.

جنگ ها که اغلب از منظر واقع گرایی و در چارچوب گفتمان سود و زیان یا برد و باخت مورد بررسی قرار می گیرند، می توانند از منظرهای متفاوتی همچون جامعه شناسی تاریخی، نمود یافته و تأثیر آن بر شکل گیری کشور، سامانه بین الملل جنگ و هویت ملی یا جنگ و تغییر، سنجیده شوند. در این مقاله، ابتدا مفهوم جنگ در روابط بین الملل از منظر واقع گرایی و نواقع گرایی بررسی خواهد شد، سپس جنگ و تأثیر آن بر شکل گیری کشور از دیدگاه جامعه شناسی تاریخی "چارلز تیلی" مورد کند و کاو قرار گرفته و آن گاه رویکرد فوق در مورد جنگ عراق علیه ایران در قالب شکل گیری دولت مدرن یا به تعبیری دولت - ملت سازی و هویت ایرانی از منظر جامعه شناسی تاریخی، تبیین می کند.

جنگ در روابط بین الملل

مطالعه جنگ و منازعه یکی از موضوعات مهم روابط بین الملل است. جنگ یکی از خشونت های سازمان یافته است که توسط واحدهای سیاسی علیه همدیگر رخ می دهد. دو پیامد مهم برای تعریف این رخداد وجود دارد، نخست آن که هر خشونتی جنگ قلمداد نمی شود مگر آن که به نام یک واحد سیاسی رخ دهد. دوم آن که، خشونت یک واحد سیاسی با یک واحد سیاسی دیگر باشد.^(۵) در سامانه بین المللی نوین، کارکردهای جنگ به مثابه کنش اجتماعی است که ممکن است دارای سه کارکرد یا نگرش زیر باشد:

۱. اهداف کشور ممکن است با جنگ به عنوان کنش اجتماعی تحقق پیدا کند.

۲. در سامانه کشورها جنگ یکی از مکانیسم ها اصولی آن است که، همانطور که والتز گفته، عامل "توزیع ظرفیت ها" و مولفه های "توزیع قدرت" کشوری در

قبال کشورهای دیگر در یک سامانه یا ساختار است. به بیان دیگر، موقعیت آن کشور در سطح سامانه بین المللی به عوامل فوق بستگی دارد. ۳. در جامعه کشورها، جنگ دارای رویکردی دو جانبه است از سویی جنگ، مانفیسست بی نظمی یا تهدیدی در راستای ساخت و تشکیل جامعه خود کشورها یا بازگشت کشورها به وضعیت ما قبل مدرن است و از سوی دیگر، جنگ ابزار دستیابی کشورها به اهداف شان و به نوعی ابزار شکل دهی به سامانه بین المللی نیز محسوب می شود.^(۶) از این منظر، جنگ نقش دوگانه ای دارد. چرا که از

یک طرف، تهدیدی برای کشورها و از طرفی، ابزار حمایتی آن نیز هست یا به زبان ساده تر، جنگ نقشی شمشیر دو لبه ای را برای جامعه بین المللی بازی می کند.^(۷) به هر حال، جنگ از منظر واقع گرایی و نواقع گرایی، عنصر مهمی برای رسیدن به منافع عالیه کشور و ثبات در سامانه بین المللی است. از منظر مکتب

از منظر رویکرد ایرانی،
جنگ نمی تواند قاعده یا
هنجار یا نهاد مطلوبی برای
توازن قدرت یا اعاده نظم در
جامعه بین الملل باشد

انگلیسی، جنگ به مثابه هنجارها و نهادی است که به کشورها و جامعه بین الملل کمک می کند نظم را به واحدهای جامعه مذکور برگرداند. در ارتباط میان جنگ با لیبرالیسم، مفهوم فوق در نولیرالیسم، بیشتر به عنوان «بازسازی پسمانازه»^(۸) همانند تجربه های هائیتی، کامبوج و عراق توسط ایالات متحده آمریکا تداعی پیدا می کند.

ورود پارادایم اقتصادی نولیرال و الگوی لیبرال دموکراسی ایالات متحده به صورت نرم یا سخت از مصداق های جنگ های نولیرال در روابط بین الملل است. جنگ در نولیرالیسم، برای جلوگیری از شکست حکمرانی^(۹) در کشورهای ضعیف است. تعبیری که از

1. Post - Conflict Reconstruction

2. Governance Fail

رویکرد دیگری می‌تواند این جنگ را به خوبی تحلیل، تبیین و تفسیر کند؟ آیا رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل می‌تواند به درستی آرمان ما را برای درک بهتر و مفیدتر نتایج و پیامدهای جنگ عراق علیه ایران به فرجام برساند؟

جنگ و جامعه‌شناسی تاریخی

یکی از مولفه‌های اصلی جهان کنونی، تغییر است. این تغییر در طول تاریخ و با کمک جامعه‌شناسی تاریخی حاصل می‌شود. به عنوان مثال، جامعه‌شناسی تاریخی تفسیر عصر طلایی سرمایه‌داری و هژمونی ایالات متحده آمریکا و تحولات و تغییر آن را منوط به بررسی ضمنی و آشکار رخداد‌های قبل و بعد از جنگ جهانی دوم می‌داند. در واقع آن را منوط به بررسی وقوع تحول اساسی در روابط بین‌کشورها، روابط بین دولت و سرمایه و روابط بین کشور، سرمایه و کار می‌داند. به چنین رویکردی، که گذشته را می‌شکافد و به شکلی خاص، تحول و تغییر را با رویکرد اجتماعی مورد کند و کاو قرار می‌دهد، جامعه‌شناسی تاریخی می‌گویند.

به رغم بعضی نقاط افتراق جامعه‌شناسی با روابط بین‌الملل، بسیاری از علمای جامعه‌شناسی تاریخی نقاط اشتراک فراوانی با علمای روابط بین‌الملل دارند. به عنوان مثال، ماکس وبر، به رابطه تنگتنگی بین جنگ و سرمایه و جنگ و دولت در قرن نوزدهم و قرن بیستم قائل است. ماکس وبر، اصول و روش‌شناسی مهمی را در زمینه پژوهش جنگ و تغییرات ساختارهای جهان ارائه داد که با نظرات چارلز تیلی در جامعه‌شناسی تاریخی شباهت‌های بسیار زیادی دارد. در عین حال این رویکرد، گواهی بر تناقض‌های آشکار با واقع‌گرایی سیاسی است. از این رو که اولاً جامعه‌شناسی تاریخی، کشور را نوعی ساخت اجتماعی می‌داند و به عناصر داخلی و خارجی و ارتباط آن با جنگ می‌پردازد و ثانیاً، بر تاریخی بودن کشور تأکید دارد.^(۸)

در حدود پنجاه سال قبل، استنلی هافمن، پیشنهاد داد مطالعه روابط بین‌الملل براساس "روش‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی" پایه‌گذاری شود. "جانستین روزنبرگ" در پاسخ به این پرسش که چرا ما

مفهوم جنگ در نولیبرالیسم می‌شود آن را نیز «جنگ خاموش» نام نهاده‌اند. به عبارت دیگر، جنگ‌ها بیشتر تحت عنوان مداخلات بشردوستانه یا برنامه گسترش دموکراسی با ایدئولوژی و برنامه‌های خاص در این زمینه واقع می‌شوند.

جنگ در نولیبرالیسم، جنگ با شر، یا محور شر تلقی می‌شود و برنامه‌های بازسازی، ترمیم و توسعه اقتصادی و آموزشی، به عنوان یک پارادایم لیبرالی، در گفتمان جنگ، محدود و محصور می‌شوند.^(۸)

با این توضیحات، با رویکرد ایرانی نمی‌توان جنگ عراق علیه ایران را از منظر واقع‌گرایی و دستیابی به منافع مادی یا از منظر نواقص گرایی، به عنوان پدیده‌ای که ثبات را به سامانه بین‌المللی برگرداند، توجیه کرد. چرا که مدت کوتاهی پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، شاهد فروپاشی سامانه دو قطبی و پایان جنگ سرد بودیم. از منظر مکتب انگلیسی، که جنگ را به عنوان یکی از نهاد‌های نظم جامعه بین‌المللی

می‌شناسد، رویکرد ایرانی هیچ‌گاه جنگ را ابزار نیل به هدف یا نظم در جامعه بین‌الملل به رسمیت نمی‌شناسد. از منظر رویکرد ایرانی، جنگ نمی‌تواند قاعده یا هنجار یا نهاد مطلوبی برای توازن قدرت یا اعاده نظم در جامعه بین‌الملل باشد. از منظر نولیبرالیسم نیز ماهیت جنگ عراق علیه ایران در دوران جنگ سرد، گفتمان متفاوت و متضادی با جنگ‌های خاموش یا مداخلات بشردوستانه و نرم داشت. به عبارت دیگر، جنس جنگ عراق علیه ایران، سخت و غیر بشردوستانه، کلاسیک و همراه با تخریب و ویرانگری تفسیر می‌شود. بنابراین این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که این مسئله از منظر روابط بین‌المللی چگونه تبیین می‌شود؟ آیا

از منظر نولیبرالیسم، ماهیت جنگ ایران و عراق در دوران جنگ سرد، گفتمان متفاوت و متضادی با جنگ‌های خاموش یا مداخلات بشردوستانه و نرم داشت

چارلز تیلی، جامعه‌شناسی تاریخی و جنگ عراق علیه ایران

دولت شبه مدرن ایران در سال ۱۹۷۹، بایک تغییر گفتمان انقلابی جای خود را به دولت شبه مدرن اسلامی داد. این تغییر، بستر حرکت به سوی مدرنیته را تسهیل ساخت و به نحوی ساخت دولت - ملت سازی را در ایران تشدید نمود. سیاست مدرنیزاسیون محمدرضا پهلوی در ایران به خاطر تشنگ آرام و کند بودن آهنگ دولت - ملت سازی به نتایج مشخصی منجر نشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آهنگ دولت ملت سازی تسریع شد.^(۱۲) انقلاب اسلامی ایران، برای نخستین بار،

روحانیون مسلمان را در برابر اقتدار سکولار شاه به قدرت رساند. دولت شبه مدرن شاه به یک ساختار دینی و به نوعی، گفتمان دینی در چارچوب احیای اسلام شیعی مبذل شد. به اعتقاد کارشناسان، گفتمان امام خمینی (ره)، به دلیل ساختار مذهبی ایران، باعث ترکیب گفتمان مدرنیسم و اسلام و تشدید فرایند دولت - ملت سازی در ایران شد.^(۱۵)

با حمله عراق به ایرن، پرسش‌های بسیاری در اذهان کارشناسان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شکل گرفت از جمله اینکه، جنگ چه تأثیری بر شکل‌گیری ساخت دولت مدرن در ایران داشته است؟ آیا جنگ باعث تشدید یا انسداد ساخت دولت - ملت در ایران شد؟ اهمیت راهبردی "استان خوزستان" برای عراق، دسترسی این کشور به آب‌های خلیج فارس، خطر "نظام سیاسی شیعه ایرانی" برای عراق و حمایت صدام از "بی‌ثباتی ایران" به خصوص در منطقه کردستان ایران، از جمله دلایل حمله به ایران بود. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، پاسخ‌های روشنی

جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌المللی نداریم؟ به نقل از "مارتین وایت" که می‌گوید: «چرا نظریه روابط بین‌الملل نداریم».^(۱۱)

در واقع مشکل هافمن، که بعدها والتز نواقع‌گرا نیز به این مشکل دچار شد، این بود که عقیده داشت محققین روابط بین‌الملل می‌بایست نظریه‌های داخلی و خارجی را در مطالعه سیاست بین‌الملل در نظر بگیرند. در نظر والتز، جنگ صرفاً مولود ساختار سامانه بین‌المللی است و مطالعه و بررسی آن نیز امری ساختاری است.^(۱۲) در اینجا به بررسی آرای چارلز تیلی درباره ارتباط جنگ و شکل‌گیری کشور می‌پردازیم تا مشخص شود برای برخی تحولات روابط بین‌الملل و به ویژه جنگ، نیازمند رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی هستیم. در این راستا، جنگ عراق علیه ایران و تسریع در روند شکل‌گیری دولت مدرن در ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.^(۱۳)

چارلز تیلی به ارتباط معناداری بین جنگ و جامعه‌شناسی تاریخی قائل است. او همواره جنگ را عامل بیرونی و همچنین روندی به دور از ستیزهای درونی و عامل اصلی برای شکل‌بندی کشور قلمداد می‌کند. او درخصوص دگرگونی کنونی سامانه بین‌الملل می‌نویسد:

«هم اکنون سامانه بین‌الملل در مقطع دگرگونی ژرف خود قرار دارد که نه تنها سیاست‌های همه کشورها را دگرگون می‌کند بلکه منش جنگ و رویداد آن را نیز دگرگون خواهد کرد.»

به عبارت دیگر، چنین به نظر می‌رسد که وی درباره آن دگرگونی‌ها از سامانه بین‌المللی سخن می‌گوید که به دگرگونی در سیاست درون مرزی می‌انجامد. افزون بر این، این دگرگونی‌ها بر منش روابط میان کشورها اثرگذار است. گفتمان تیلی، براین نکته تأکید دارد که جنگ، بر رابطه شکل‌گیری کشور با دگرگونی‌های اقتصادی تأثیر دارد.^(۱۴) نوشتار حاضر نیز، به نوعی مفهوم جنگ را از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی استخراج می‌کند و با کنار گذاشتن اثر جنگ بر سامانه بین‌المللی، به تأثیر و چگونگی جنگ بر شکل‌گیری کشور و هویت داخلی کشورها اهتمام دارد.

گفتمان امام خمینی (ره)،
به دلیل ساختار مذهبی ایران،
باعث ترکیب گفتمان
مدرنیسم و اسلام و تشدید
فرایند دولت - ملت سازی در
ایران شد

برنامه‌های اصلاحی خود قرار داد. در پی این تصمیم، نمایندگان کانون‌های اصلی قدرت در جمهوری اسلامی، همراه با بخش گسترده‌ای از رسانه‌های کشور، از آغاز «خصوصی سازی بزرگ» و پایان عصر تصدی‌گری دولت در عرصه اقتصادی و واگذاری هشتاد درصد واحدهای دولتی به بخش خصوصی خبر دادند. این روند به دلیل خسارت‌های جنگ و تقویت گفتمان توسعه‌گرا، خود به خود باعث تشویق جامعه مدنی و سرمایه‌های ملی در مشارکت سیاسی و اقتصادی شد. این اقدام، تثبیت دولت مدرن در ایران را پس از یک جنگ ویران‌گر تشویق و تسریع نمود. این کنش جمعی، وامدار گفتمان توسعه‌گرای فردای جنگ بود که با نظریات تیلی نیز کاملاً سازگار و منطبق است.^(۸)

تیلی تحقیقات زیادی را درباره روند شکل‌گیری کشور در اروپا و کنش جمعی انجام داده است. تعریف تیلی از کشور با تعریف اسکاکپل، همخوانی بیشتری دارد. براساس این تعریف، «کشور، عبارت از یک رشته سازمان‌هایی است که ادعای ارجحیت بر همه نهادهای درون یک سرزمین معین را دارند.»

تیلی به تحلیل ارتباط میان جنگ و شکل‌گیری کشور می‌پردازد. از نظر او «جنگ کشور را می‌سازد و کشور با جنگ مشهور می‌شود». به عبارتی، جنگ با گسترش نهادهای مرتبط با کارگزاران و ساختار سیاسی، هماهنگی لازم برای تعاملات بیشتر را مهیا می‌کند. این تعاملات، زمینه مشارکت جمعی و انسجام اجتماعی را تسریع می‌کند. در واقع، جنگ زمینه اتحاد ملی و رشد تعلقات جمعی و سیاسی را نهادینه می‌کند. این شاخص‌ها تا حد زیادی با تحولات سیاسی و اقتصادی پس از پایان جنگ تحمیلی مطابقت دارد. در واقع، این جنگ زمینه گسترش نهادها و کارگزاران سیاسی را فراهم نمود. رشد سازمان‌های خصوصی، شرکت‌های خصوصی، جامعه مدنی و احزاب از جنبه‌های بارز گفتمان پس از جنگ می‌باشد.^(۹)

تیلی، جنگ را جدا از سوگیری‌های سامانه بین‌المللی می‌داند و رویکردی سازه‌انگارانه در خصوص سامانه بین‌المللی دارد. او سامانه بین‌المللی

برای پرسش‌های فوق می‌توان ارائه کرد. به عنوان مثال، جنگ باعث شد هویت خوزستان، کردستان و شیعه در ایران در ساخت دولت مدرن در کشور سهیم شوند. در واقع ارزش «دفاع از وطن» در میان اقوام ایرانی، هویت آنان را تحت پوشش گفتمانی قرار داد و واکنش اقوام ایرانی در چارچوب گفتمان جنگ، معنا یافت.^(۱۰) براین اساس، فرضیه نوشتار حاضر عبارت از این است که جنگ باعث شکل‌گیری دولت مدرن در ایران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی شد. البته، تأثیر جنگ بر ساخت کشور عراق مد نظر این تحقیق نیست چرا که حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، خود دلیلی بر عدم شکل‌گیری دولت مدرن

و واگرایی اجتماعی در این کشور است. جنگ با ایران به دلیل عدم تحقق گفتمان حزب بعث درباره «عرب‌گرایی»، «قادسیه‌گرایی» و «کمک به خلق عرب»، همچنین مخالفت بخش اعظمی از شیعیان و کردهای عراق با شعارهای فوق و حمله به ایران، عملاً نتوانست شکل‌گیری و روند دولت-ملت سازی در

عراق را تسریع بخشد. نتایج این جنگ برای عراق، کاملاً معکوس بود و واگرایی و عدم همبستگی اجتماعی در این کشور را باعث شد. بر اثر جنگ، مثلث سنی در عراق (شمال، غرب و شرق بغداد، اطراف فرات، دجله، دیاله و تکریت) به سهامداران عمده قدرت در عراق تبدیل شدند و روند شکل‌گیری قدرت دولت مدرن در عراق به تعویق افتاد.^(۱۱)

چارلز تیلی، جنگ و کشور

با پایان جنگ تحمیلی و همزمان با موج فراگیر خصوصی‌سازی در مقیاس جهانی، دولت هاشمی رفسنجانی نیز پایان تصدی‌گری دولت را در صدر

حمله عراق به ایران،
عملاً نتوانست شکل‌گیری و
روند دولت-ملت سازی در
آن کشور را تسریع بخشد

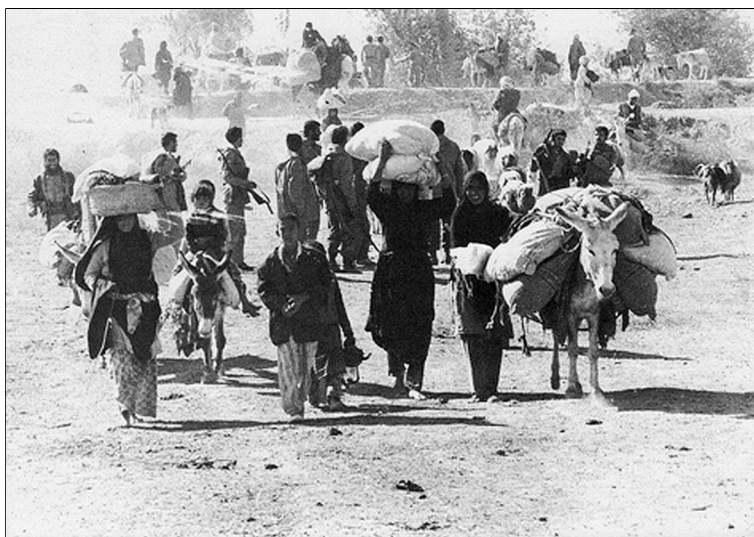
تیلی جنگ را عامل همگرایی نیز می‌داند، چرا که با مشارکت نهادها و مردم در جریان جنگ‌ها، شکل‌گیری کشور اتفاق می‌افتد.^(۳۱) چالز تیلی، با دیدگاه مادی به ارتباط دو سویه جنگ و شکل‌گیری دولت پرداخته است. او الگوی ساده‌ای را برای تشریح پدیده کشور- ملت پیشنهاد می‌کند. دو عامل سرمایه و محدودیت‌نگری،

دگرگونی‌پذیر اصلی هستند. وجود سرمایه با تمرکز و پدیداری شهرها همراه بوده

است، اما تمرکز محدودیت‌ساز مستلزم یک کشور است. این دو پدیده پیوند منطقی دو سویه‌ای دارند. شهرها و سرمایه‌داران، پشتیبانی لازم برای کارهای بازرگانی و صنعتی را از متخصصانی که کشورها را اداره می‌کنند، به دست می‌آورند. البته آنها برای دفاع از سرمایه خود در جریان جنگ به دولت کمک می‌کنند. کشورها و نیروهای مسلح به سرمایه‌داران شهرها وابسته هستند؛ اما در عین حال، نگران مقاومتی هستند که در برابر قدرت کشور در جریان پیشرفت شهرها، منافع بازرگانی و طبقه‌های کارکردی آن به وجود می‌آید.^(۳۲) نگاه جانبدارانه تیلی مشخص است، جنگ آوری نیرویی است که کشور را به پیش می‌برد

کلائیس^۴ دیدگاه مثبتی درباره نوشته تیلی دارد. تیلی معتقد است جنگ نقش اصلی را در پدیداری کشورهای اروپایی بازی کرده است؛ اما به باور کلائیس، نمی‌توان جنگ را به عنوان یک متغیر مستقل بررسی کرد. جنگ از علت‌هایی چون افزایش جمعیت، عامل اقتصادی، عامل ایدئولوژیکی، یا آمیزه‌ای از آنها ریشه می‌گیرد.

بدون تحلیل این عوامل، تأکید بر نقش محوری جنگ در شکل‌گیری کشورها، گمراه‌کننده است.^(۳۳) این



را ساخته یک شبکه چند سویه میان کشورها به شمار می‌آورد. این شبکه، محدودیت‌هایی را بر کنش کشورها ایجاد می‌کند. البته او سامانه را نوعی واحد تحلیل‌گری تاریخی می‌داند. تحلیل‌گری تیلی، درباره شکل‌گیری کشور، با گذشت زمان پدید آمده و پیشرفت کرده است. نقطه آغاز این تحلیل‌گری، اقدام مشترک سرپرستی 'کمیته سیاست تطبیقی'^۱ وابسته به 'شورای پژوهش دانش اجتماعی ایالات متحده آمریکا'^۲ برای بررسی شکل‌گیری کشور بود. حاصل کار این پروژه، انتشار کتاب 'شکل‌گیری ملت - کشورها در اروپای غربی'^۳ بود که دیباچه و نتیجه‌گیری یک فصل این کتب توسط تیلی به نگارش درآمد. در این تحلیل، قابلیت‌های نظامی یک کشور در کانون توجه قرار داشت. از نظر تیلی، پیروزی در جنگ مهمترین عامل بود و کشورهایی که عملکرد موفقی در جنگ نداشتند به سادگی از بین می‌رفتند.^(۳۴) چارلز تیلی در اینباره می‌گوید: «جنگ، نه تنها سامانه کشور و شکل‌گیری فردی کشور را به پیش می‌برد بلکه بر توزیع قدرت نیز تأثیر مستقیم دارد». حتی طی چند سده گذشته در تمدن [شهروندی] کشورهای غربی، جنگ همچنان مهمترین عامل تعیین‌کننده کشورهای ملی بوده است.

1. Committee on Comparative Politics

2. American Social Science Research Council

3. Formation of Nation - State in Western Europe

4. Claessen

سرمایه اجتماعی گفتمان جنگ نظیر حضور داوطلبانه در جنگ، گفتمان مقاومت، مشروعیت انقلاب اسلامی، کاریزمای رهبری امام (ره) و هویت ایرانی و شیعی تا حد زیادی به شکل‌گیری کشور در ایران کمک کرد. در واقع، رویکرد ما نیز همان رویکرد چارلز تیلی است با این تفاوت، که به جای سرمایه مادی، نوشتار حاضر، "سرمایه اجتماعی معنایی" را جایگزین نموده است.^(۲۳)

هویت و جامعه‌شناسی تاریخی

برای پی بردن به هویت، یعنی من کیستم؟، باید مطالعات تاریخی فراوانی را انجام داد. اگر چه هویت با توجه به بعد معنایی آن، کمتر از منظر جامعه‌شناسی تاریخی بررسی شده است اما زمانی که به عنوان مثال یک فرد ایرانی می‌گوید من هویت ایرانی دارم، به تمدنی اشاره می‌کند که دارای جنبه تاریخی است. به عبارتی، چون هویت منشأ تاریخی و اجتماعی دارد؛ بنابراین می‌تواند از منظر جامعه‌شناسی تاریخی بررسی شود. به عنوان مثال، تاریخ و هویت اروپایی، تاریخی است که دارای مفهوم و گفتمان است. چراکه مفهوم بندی نوین فرهنگ و احساس تعلق، از درون گفتمان و مفهوم هویت استخراج می‌شود. در واقع بدون تعلق خاطر، هویتی نیست و بدون هویت نیز تعلق خاطری وجود ندارد. هویت، تصویر خود و دیگری و مرز بین خود و دیگری را مشخص می‌کند. هویت در طول تاریخ شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، هویت و تاریخ مشخصی، اروپا را شکل داده‌اند.^(۲۵)

هرچند هویت مفهومی در متافیزیک فلسفه یونان وجود داشت اما تا اواخر قرن ۱۹ نقش مهمی را در علوم اجتماعی ایفا نمی‌کرد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، این مفهوم به هسته اولیه و اصلی علوم تاریخی و اجتماعی تبدیل شد. هویت به توضیح قدرت نیز می‌پردازد همچون بحث در مورد میراث اروپا یا امپراطوری روم باستان، مسیحیت، ایده‌های روشنگری علم، خرد و دموکراسی، که تمام این عناصر، به نوعی احساس تعلق خاطر و وفاداری به هویت اروپایی محسوب می‌شود.^(۲۶) فضای گفتمانی در قالب کنش‌های جمعی و با هویت‌های جمعی بازتاب می‌یابد و حفظ می‌شود.

نوشتار نیز در پی پاسخ به این پرسش است که جنگ عراق علیه ایران چه تأثیری بر شکل‌گیری دولت در ایران داشته است. آیا رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی تیلی می‌تواند به این پرسش، پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد؟ در کل می‌توان نگاه مثبتی به دیدگاه تیلی در این که جنگ‌ها باعث همگرایی دولت ملی شده و به شکل‌گیری کشور کمک می‌کنند، یا دولت‌های پیروز در جنگ می‌توانند روند کشور-ملت‌سازی را به فرجام برسانند، داشت.

از این رو می‌توان ادعا کرد پیروزی در جنگ‌ها همواره از آن کسانی است که بعد از رخداد جنگ به خوبی به سوی کشور مدرن و عقلانی (ساخت کشور ملت‌سازی) حرکت کرده‌اند. از این منظر، ایران پس از پایان جنگ تحمیلی به دلیل تقویت همگرایی داخلی؛ پیروز جنگ است و عراق که پس از پایان جنگ به طایفه‌گرایی؛ حمله به همسایگان و واگرایی شدید اجتماعی سوق داده شد از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و

دیدگاه تیلی، طرف شکست خورده این جنگ است، چرا که ساخت کشور مدرن در عراق پس از جنگ علیه ایران تداوم پیدا نکرد.

نکته‌ای که اهمیت دارد دیدگاه مادی گرایانه چارلز تیلی به جنگ و ارتباط آن با سرمایه از یک طرف و شکل‌گیری کشور از طرف دیگر است. اما به دلیل رانتیر بودن کشور ایران، سرمایه نمی‌تواند عنصر مناسبی برای ارتباط بین جنگ و شکل‌گیری کشور در ایران پساجنگ باشد.

به جای سرمایه مادی، می‌توان به سه عنصر جدید سرمایه اجتماعی ایرانی، جنگ و شکل‌گیری کشور در ایران اشاره کرد و بیان داشت که ارتباط دو سویه جنگ و

نتایج این جنگ برای عراق، کاملاً معکوس بود و واگرایی و عدم همبستگی اجتماعی در این کشور را باعث شد

تدارکات، یا پول لازم برای خرید آنها را در اختیار داشتند، بگیرند. در واقع آنها اگر تحت فشار شدید قرار نمی گرفتند مایل نبودند آن منابع را تسلیم کنند.^(۳۰) هرچند رویکرد تبلی با روند دولتی کردن بخش های عظیمی از اقتصاد ایران برای کمک به اقتصاد جنگ قابل توجه است اما این رویکرد کاملاً مادی گرایانه است و به عنصر هویت در جنگ ها و شکل گیری کشور اشاره ای ندارد.

مایکل والتر معتقد است: «دولت ناپیداست، برای دیده شدن باید قبلاً تبلور شخصی پیدا کند. برای آن که بتوان به آن عشق ورزید باید قبلاً به صورت نمادی

مبهرن شود و برای شناختنش باید قبلاً به تصور درآید.» فرایندی که از طریق آن یک جامعه برای نخستین بار خودش را به تصور در می آورد، سامانه های مناسب حکمرانی و مبادله را می شناسد، هویت ها را نمادین می کند و هنجارها و آموزه های را که انتشار می دهد می سازد. یعنی دولت، می بایست با یک

«شناخت اجتماعی»^{۳۱} قوام یابد. این شناخت اجتماعی در مورد جنگ عراق علیه ایران، با کمک هویت ایرانی- شیعی، شکل گرفت و قوام یافت و این شناخت، به تسریع شکل گیری کشور در ایران کمک کرد. شناخت فوق و هویت ناشی از آن، باعث شد حاکمیت دولت در ایران بعد از جنگ گسترش یابد و به صورت مفهوم حاکمیت ملی نمود یابد و به دنبال آن نیروهای مسلح به نماد کشور تبدیل شدند.

اما در عراق پایان جنگ، شروع سرکوب کردها و شیعیان و حمله به کشور کویت بود. به عبارتی، حوزه ایرانی- شیعی، به عنوان حوزه شناخت های اجتماعی، در ادوات ذهنی که مردم به کمک آنها هستی جمعی

هویت ها با ساخت های نمادین ارتباط برقرار می کنند. به عبارت دیگر، هویت ها به خلق «بازنمایی های نمادین»^۱ می پردازند. که هویت جمعی در اینجا شکل می گیرد و به خلق بازنمایی می پردازد.

عمومی کردن جامعه شناسی تاریخی و توجه روش شناسانه به تاریخ می تواند کمک شایانی به نوشتار حاضر کند.^(۳۲) با توجه به نظر تبلی درباره نقش سرمایه و جنگ در شکل گیری کشور و همگرایی برای وحدت ملی، این پرسش مطرح می شود که آیا می توان هویت را با روش شناسی جامعه شناسانه تاریخی به بحث ارتباط بین هویت و جنگ تحمیلی که به تشکیل دولت مدرن و شکل گیری کشور - ملت در ایران انجامید، اضافه کرد؟ آیا با توجه به اهمیت تاریخ و مطالعه آن در جامعه شناسی تاریخی، هویت می تواند به عنوان عنصر معنایی در جنگ عراق علیه ایران کاربرد داشته باشد؟ و بالاخره این که هویت و شکل گیری کشور- ملت در ایران چگونه بوده است؟

هویت، جنگ و شکل گیری دولت مدرن در ایران

از نظر الگوهای دولت باور در زمینه جنگ، روابط بین الملل، شکل گیری کشور و دگرگونی سیاسی تا حد زیادی از دگرگونی های اقتصادی مستقل است و عمدتاً پیامد رویدادهایی است که در درون کشورهای خاص رخ می دهد. بسیاری از تحلیل گران روابط بین الملل، دیدگاه دولت باور دارند و بر این فرض قائلند که هر یک از دولت ها در جهت منافع خودشان اقدام می کنند و تعاملات میان کشورها، در نهایت به کشمکش کنشگران منفعت جو تقلیل می یابد.^(۳۳)

امروزه رایج ترین نظریه ها، عناوینی چون واقع گرایی سیاسی یا انتخاب عقلانی دارند. این نظریه ها، در عین حال که تأثیرات سامانه بین المللی، هژمونی دو قطبی یا چند قطبی را مدنظر دارند، تحلیل های خودشان را در مورد رفتار کشورها بر منافع و سمت گیری های تک تک آنها استوار می سازند.^(۳۴)

در مقابل، تبلی معتقد است جنگ و کسب آمادگی برای جنگ، حکمرانان را وادار کرد ابزارهای جنگ را از دست کسانی که منافع اساسی انسان ها، جنگ افزارها،

بر اثر جنگ،

مثلاً سنی در عراق

(شمال، غرب و شرق بغداد؛

اطراف فرات، دجله، دیاله و تکریت)

به سهامداران عمده قدرت

در عراق تبدیل شدند



خودشان را از نو به تصویر می‌کشیدند، نقش تعبیین‌کننده‌ای داشت؛ در صورتی که در عراق این شناخت اجتماعی هنوز شکل نگرفته بود.^(۳۲)

شناخت تاریخی ایرانی‌ها از هویت و تمدن ایرانی-شیعی و حوزه شناخت اجتماعی قوی در ایران باعث شد تمام اقوام ایرانی با گرایش‌های مذهبی و فکری متفاوت، به باور مشترکی به نام دفاع و مشارکت اجتماعی فعال برسند. این شناخت اجتماعی قوی، دلیل

مهم پیشبرد جنگ قلمداد می‌شد. از نگاه جامعه‌شناسی تاریخی چارلز تیلی، جنگ با تمام مولفه‌هایی که برای آن ذکر شد، باعث همگرایی در داخل ایران و تشدید شکل‌گیری دولت-ملت و تقویت دولت ملی در ایران شد. جنگ باعث خلق نهادهایی شد که همگی در راستای شکل‌گیری کشور در ایران جدید بود.

نتیجه‌گیری

در دهه گذشته، شاهد بازیابی علاقه به رهیافت‌های تاریخی و جامعه‌شناسانه در زمینه درک روابط بین‌الملل بوده‌ایم. هم‌زمان با آن، جامعه‌شناسان تاریخی بار دیگر ایده کشور را مورد توجه قرار داده و کوشیده‌اند تا تحولات سامانه بین‌المللی را نیز در کارهای خود بگنجانند.

در این تحقیق، همگرایی نگرش‌ها بین آن دسته از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل که می‌کوشند برای درک روندهای اجتماعی، همگام با جامعه‌شناسان تاریخی با مطالعه جریان‌های بین‌المللی، دگرگونی کشورها را مورد تحلیل قرار دهند، بررسی شده است. به عبارتی در این نوشتار، جنگ تحمیلی به عنوان یک متغیر بین‌المللی و تأثیر آن بر شکل‌گیری کشور-ملت در ایران به عنوان امری اجتماعی-تاریخی مورد بررسی

قرار گرفته است. در این راستا تلاش شد با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به ویژه با رویکرد چارلز تیلی، رهیافت‌های واقع‌گرایی و نو واقع‌گرایی در مورد جنگ ایران و عراق را زیر سوال برده و گفتمان این نظریه‌ها را که عمدتاً با محوریت بازی‌های برد-برد یا برد-باخت با نوعی جامعه‌شناسی مادی گرایانه است، را کنار بگذارد. در واقع، تحلیل جنگ ایران و عراق صرفاً نمی‌تواند از منظر نظریه‌های واقع‌گرایی و موازنه قدرت صورت گیرد و رویکرد تک‌محوری این نظریه‌ها خصوصاً در مورد شکل‌گیری کشور-ملت، از فقر آنها حکایت دارد.

جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل، به جای توجه به چگونگی هزینه‌ها و جوانب دیگر جنگ، بیشتر به تأثیر جنگ بر ساخت کشور دلالت دارد. این رویکرد، کشوری را پیروز جنگ می‌داند که پس از پایان جنگ، همبستگی اجتماعی، انسجام داخلی، همگرایی سیاسی و از همه مهمتر شکل‌گیری کشور-ملت در آن کشور به سرعت تحقق پیدا کند.

طبق این رویکرد، ایران می‌تواند در برابر عراق اعلام پیروزی کند چراکه افول آن کشور بلافاصله پس از پایان جنگ رقم خورد. چارلز تیلی با نگاه مادی‌گرایانه، ارتباط سرمایه و جنگ را بر شکل‌گیری

10. Justin Rosenberg, "Why is There No International Historical Sociology". **European Journal of International Relations**, 2006, 12. 307. p. 307.
11. Rosenberg, **Op. Cit.**, p. 33.
12. Keith Hopkins, "Christian number and its implications", **Journal of Early Christian Studies**, 1998, 6: PP.185-226.
۱۳. هایدن، پیشین، صص ۱۷۱-۱۷۳.
14. Conflict without Victory, the Iran - the Iraq War, **Oxford Higher Education**, 2007, p. 97.
15. Fox Butterfield, "8 year Persian Gulf war, victims but no victors", **New york times online**, ed, 25, july, 1988.
16. **Ibid.**
۱۷. صالح عبدالجبار، عراق ما بعد الحرب، سیاق من اجل ۱۵۱ استقرار و اعاده البناء الشرعي، معهد السلام الامريكي، ۲۰۰۳، ص ۲۰۶.
18. Amir. Mirsepassi. The 9Blind Faith in Modern State. see to http://www.nilgoon.org/pdfs/blind_faith_in_modern_state.pdf.
۱۹. هوشنگ امیراحمدی، جامعه شناسی سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی، گردآوری و ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۰، ص ۷۷.
۲۰. هایدن، پیشین، صص ۲۷۱-۲۷۰.
21. Tilly, **The formation of Nations States in western Europe**, Princeton, Princeton university press, 1975, p. p. 101- 118.
۲۲. هایدن، پیشین، ص ۱۶۱.
۲۳. هایدن، پیشین، ص ۱۶۵.
24. Marth a finnemoreand Kathryn Sikkink, "International Norms Dynamics and pocitical Change", **International Organization**, Vol. 52, No. 4, (autunum 1998), pp. 887 - 917.
25. . Strath Bo, "A European jIdentity European: to the Historical limits of concept European", **Journal of Social Theory**, 2002. p. 388.
26. Bostrath, **Op. Cit.**, p. 388.
27. Paul jounes, "Sociology Of Architecture and the politics of Building: The Discursive construction of

کشور در اروپایی غربی بررسی کرده است. این نوشتار با وام گرفتن از نظریه ساخت کشور تیلی، به تأثیر این عناصر بر شکل گیری کشور در ایران پرداخت.

به دلیل رانتیر بودن دولت در ایران و ضعف بخش خصوصی در زمان جنگ، عمدتاً سرمایه اجتماعی معنایی عنصر شیعی و کاریزمای رهبر انقلاب (ره) به همراه جنگ، در تسریع و شکل گیری کشور- ملت در ایران تأثیر به سزایی داشت. به عبارت دیگر، جنگ باعث معنا یافتن هویت مشترک ایرانی- شیعی شد. جنگ با همه خسارات مادی و معنوی که داشت، در ایران به خلق بازنمایی هایی کمک کرد که همگی به شناخت اجتماعی منجر شد. در نهایت، این فرضیه که جنگ عراق علیه ایران به شکل گیری کشور- ملت و تقویت دولت مدرن در ایران تأثیر عمده ای داشت، به اثبات می رسد.

یادداشت ها

1. Randell, Collins, **Four Sociological Traditions**, New York, 1991. P. p. 38-44.
۲. استفن هایدن، روابط بین الملل و جامعه شناسی تاریخی، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، (۱۳۷۹) ص ۵.
3. Skocpol, **vision and Method in sociology**, Cambridge, 1982. p.11.
۴. هایدن، پیشین، ص ۸.
5. Bull. Hedly, **The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics**, New York, Columbia university press, 1977, p. 176.
6. Vilem Kolin, **The Role of War In International Politics, Brann Strategi**, 2003, p. 20.
7. Bull, **Op. Cit.**, p. 183.
8. Shalmani Guttal, **Reconstruction, A Glimpse into on Emerging paradigm, Focus on the Global South**, January, 2005, pp. 45- 50.
۹. مارتین غریفیتش و تیری و اوکالاها، المفاهیم الاساسیه فی العلاقات الدولیه، دبی، مرکز الابحاث، صص ۳۱۴-۳۱۱.

Ground zero", **Sociology**, 2006 , 4. P. 562.

28. Richard Rosecrance, **The Rise of the Trading State**, New York, 1986; Yale Ferguson and Richard Mausbach, **Politics: Authority, Identities and Change**, Columbia, SC, 1996; See also John H. Herz, "The Rise and Demise of the Territorial State," **"World Politics 9"**, July 1957, PP 473-93; and his reconsideration in "The Territorial State Revisited: Reflections on the Future of the Nation-State", **Polity 1**, Fall 1968, PP 12-34.
29. Tony Smith, "The Underdevelopment of Development Literature: The Case of Dependency Theory," **"World Politics 31"**, January 1979, PP 247-88; Aristide Zolberg, **"Origins of the Modern World System: A Missing Link"**, *ibid*, 33, January 1981, PP. 253-81.

۳۰. چارلز تیلی، شهرها و دولت‌ها در تاریخ جهان، در کتاب مفاهیم اساسی در روابط بین الملل، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۱۵۱-۱۵۰.

31. Quctin skinner, **The Return of Goruau Theory in the Human sciences**, Newyork, Combridge University Press, 1985, P. 12.

۳۲. جرارد روگی، قلمرو فراسوی آن، مشکل انگاری و نوگرایی در روابط بین الملل، در کتاب "مفاهیم اساسی در روابط بین الملل"، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۳۵۸-۳۳۸.